

گفت‌وگوی «جوان» با مه‌رزاد ارشدی از عکاسان مطرح دفاع مقدس

# عکس‌های کربلای ۵ از مجله تایم سر درآورد

## شکوفه زمانی

مه‌رزاد ارشدی ماندگرسازی‌هایی از جوان‌های ایرانی با شروع جنگ وارد جبهه‌های دفاع مقدس شد اما او در کنار تفنگ، دوربین عکاسی را بهترین وسیله برای جنگیدن و ثبت وقایع ماندگار دفاع مقدس برگزید. این روزمنده که سابقه ۱۴ ساله در جبهه فرهنگی دارد و مسئولیت‌های فرهنگی متعددی را نیز عهده‌دار بوده است، در حال حاضر به عنوان خادم در یادمان ۱۷۷ شهیدای گمنام آبادان مشغول فعالیت است. کربلای ۵ عملیاتی است که ارشدی به عنوان روزمنده و عکاس وارد آن شد. به مناسبت ۱۹ دی سالروز آغاز عملیات کربلای ۵ در سال ۱۳۶۵، گفت‌وگویی با مه‌رزاد ارشدی انجام دادیم که ماحصلش را پیش رو دارید.

## اهل کجا هستید آقای ارشدی؟ کمی از خودتان بگویید.

من متولد ۱۳۴۲ در شهر آبادان هستم. بچه سوم یک خانواده متوسط بودم و پدرم قبل از آنکه به آبادان بیاید و به عنوان مترجم‌روی کشتی‌ها



کار کند، به چهار زبان جهان مسلط بود. یادداشتی که به آبادان می‌آید همان جاز ازدواج می‌کند و تشکیل خانواده می‌دهد. مغازه‌ای تهیه می‌کند و الان جزو کسبه قدیمی آبادان شناخته می‌شود. فعالیت‌به‌عنوان یک عکاس پیش‌زمینه قبلی می‌خواهد، از چه زمانی وارد فعالیت‌های فرهنگی شدید؟

قبل از آنکه جنگ شروع شود، من در کنار درسم به عنوان نیروی فرهنگی با جهاد سازندگی آبادان همکاری می‌کردم. البته در روزهای اول انقلاب خیلی پرشور در بیشتر فعالیت‌های مذهبی و انقلابی حضور داشتم. با دوستمندان کارهای مختلفی انجام می‌دادیم و بیشتر وقتمان صرف کار در روستاهای بهمن‌شهر، اروندکنار، هرمندکنار... می‌شد. در این روستاها به کشاورزی و خانه‌سازی می‌پرداختم. با دوستمندان می‌پرداختم. در جهاد با شهدایی مثل شهید کیانی، خلیلی، عبدالرضا کماندار، هاشمی... همراه بودم. بنده اولین نمایشگاه فرهنگی را در روستاهای توابع آبادان دایر کردم و با استقبال خوب مردم هم مواجه شد.

## شما در آبادان نزدیک مرز بودید، چطور با جنگ مواجه شدید؟

وقتی شیپور جنگ نواخته شد، ما هم مثل سایر آبادانی‌ها سعی کردیم از شهر و سرزمین‌مان دفاع کنیم. یادم است رادیو آبادان اعلام کرد نیروهای یعنی سه مرزهای شلمچه حمله کرده‌اند. همه آمادگی جنگ را داشته باشید. آن موقع هیچ‌کس تفسیر درستی از جنگ در ذهن نداشت. حافظل در ۲۰ روز اول جنگ فکر می‌کردیم تا یک هفته دیگر جنگ تمام می‌شود. یادم می‌آید وقتی مسامر می‌پرسید جنگ چه شد؟ در جواب گفتم گروه فدائیان اسلام از طرف آقای خلیلی با اسلحه به خرمنشهر آمدند و دیگر جنگ تمام است ولی گویا این جنگ با جنگ‌های دیگر فرق داشت و به این زودی‌ها تمام نمی‌شد. در ۲۰ روز اول جنگ یاد گرفتم که وقتی صدای سوت خیمه‌ها می‌آید باید شیره برویم و دراز بکشیم. ۲۰ روز دوم یاد گرفتم که وقتی نیروهای دشمن را عقب می‌بریم باید سنگ بکنیم و آنجا بنشینیم و از

خط خود محافظت کنیم. روزهای اول جنگ چون بچه‌ها آشنایی نداشتند، وقتی دشمن را عقب می‌راندند، برمی‌گشتند و شب در خانه می‌خوابیدند. فرمایش می‌دیدند دشمن دوباره آمده و مواضع قبلی را گرفته است. تا ۴۰ روز که از جنگ گذشت، من درگیر پشتیبانی جنگ بودم و کارهایی مثل سوخت‌رسانی، ابرسانی، تخلیه شهدا، تخلیه مجروحین و هر کاری که از دستم برمی‌آمد انجام می‌دادم.

## پس تقریباً همان کارهایی را انجام می‌دادید که جهاد سازندگی در جبهه‌ها انجام می‌داد؟

بله، در ۲۰ روز اول جنگ، جهاد آبادان تصمیم گرفت لجستیک خودش را در آبادان و خرمنشهر راه‌اندازی کند زیرا تمام ادوات جنگی از سپاه ارتش و کمیته و نیروهای مردمی رها شده بودند و هیچ تعمیرگاهی برای راه‌اندازی مجدد آنها وجود نداشت. جهاد یک تعمیرگاه بزرگ به نام ابوذر غفاری راه‌اندازی کرد که روزانه ۳۰۰ نوع ادوات جنگی و خودروی شخصی مردم داشتند تعمیر می‌کرد. طراحی اولین پل جنگی در همین پایگاه ابوذر غفاری انجام گرفت و ساخته شد.

## چه خاطره‌ای از روزهای مقاومت آبادان دارید؟

در سی و نهمین روز از جنگ، دشمن از رودخانه بهمن‌شهر عبور کرد که منجر به یک درگیری حماسی بین نیروهای مدافع شهر با ارتش کاملاً مسلح دشمن شد ولی به فضل خدا در روز چهلم جنگ، تاریخ جنگ تغییر اساسی کرد و اولین شکست عراق توسط نیروهای مردمی در کوی ذوالفقاری رقم خورد. باید بگویم نقشی که رادیوی آبادان داشت و گزارش‌هایی که شهید رحبر، صدراعظمی، نجفی و فضل‌الله صابری می‌دادند خیلی در آگاهی مردم مؤثر بود. اگر آبادان سقوط می‌کرد فاجعه بزرگی رقم می‌خورد. چندین کودک و زن به اسارت دشمن درمی‌آمدند و دشمن هم به آبراه بین‌المللی راه می‌یافت.

## چطور شد به عکاسی در جنگ پرداختید؟

چون سابقه کارهای فرهنگی در جهاد داشتم، فکر کردم چطور می‌توانم حماسه مردمی در جبهه‌ها



کامرنگ‌های عکس‌های مه‌رزاد ارشدی در کربلای ۵، بیست‌ساله

را به نسل‌های آینده منتقل کنیم. همین امر باعث شد کارهای پشتیبانی در جنگ را کنار بگذارم و دوربین به دست بگیرم. از همان زمان تا پایان جنگ کار عکاسی را ادامه دادم. من در تمام عملیات‌های بزرگ مانند حماسه ذوالفقاریه، راه‌اندازی تپه‌های معدن، ثامن‌الامنه که عملیات امام‌رضاع نامیده شده بود، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان‌خبر، والفجر مقدماتی، والفجر ۳، والفجر و کربلای ۵ حضور داشتم.

## بیردازیم به عملیات کربلای ۵ که موضوع این گفت‌وگو هم هست، از این عملیات بگویید.

کربلای ۵ از سخت‌ترین عملیات‌های جنگی بود و روزمنده‌گان و سرداران بزرگی در آن به شهادت رسیدند. عملیات کربلای یک حرکت

## دوربین‌تان در کربلای ۵ چه صحنه‌هایی را ثبت کرد؟

در این عملیات من در خط مقدم عکاسی می‌کردم. عکس‌های خوبی هم انداختم. حتی دچار مجروحیت و سوختگی هم شدم. ولی عکس‌های خودم را گرفتم. بعد از مدتی برگشتم به قرارگاه حضرت محمد مصطفی (ص) که بچه‌های خوزستان آنجا مستقر بودند. بچه‌های قدیمی گروه روایت فتح از جمله آقایان مرتضی آوینی، همایونفر، جعفری و مصطفی دالایی را آنجا دیدم. قبلاً سایرین بچه‌ها در عملیات طریق‌القدس آشنا شده بودم. برای بار دوم بود



که همدیگر را می‌دیدیم. آقامر نضی آوینی وقتی سر و صورت زخمی من را دید، گفت: «با خودت چه کار کردی ارشدی؟» گفتم: حاجی عملیات خیلی سخت بود. ایشان هم گفت: «وقتی تو بگویی عملیات سنگینه وای به حال دیگران.» بعد شهید آوینی گفت بیایا با یکی از بچه‌ها آشنایت کنم. دیدم یک جوان موبور و قدبلند در سنگر نشسته است. شهید آوینی گفت: آقای طالب‌زاده، ایشان ارشدی است و خلاصه با آقای طالب‌زاده هم آشنا شدیم. تنها کسی که با دوربین ۳۵ میلیمتری در جنگ فیلم می‌گرفت آقای طالب‌زاده بود. برای این کار باید فیلم و باتری‌های بسیار سنگین حمل می‌کرد. به طالب‌زاده گفتم من برای عکاسی می‌کنم. خیلی خوشحال شد و قبول کرد. با هم به منطقه عملیاتی رفتم. یادم است هواپیمای دشمن تمام آسمان منطقه را با بمب‌های خوشه‌ای بمباران کرده بود.

## از بمباران خوشه‌ای هم عکس انداختید؟

بله، بمب‌های خوشه‌ای طوری بودند در همان آسمان باز می‌شدند و با چتر آرام آرام پایین می‌آمدند. من ماشین را بر دم زیر بمب‌ها برای عکاسی که نادر گفت داری چه کار می‌کنی؟ گفتم دعا کنید بمب‌ها مستقیم توی سرمان نخورد. بمب‌ها مستقیم به زمین می‌خورند و روی‌پرو می‌مانند یکدست سیاه شده بود. ایشان از کار من متعجب مانده بود و خودش رفت در کانالی سنگر گرفت و من در وسط دود و آتش شروع به عکاسی کردم. دیدم روزمنده‌گان زیادی شهید شدند و یکی از بچه‌ها داد می‌زد و کمک می‌خواست. پایش ترکش خورده بود طوری که از زیر زانو فقط به پوست وصل بود. بغلش کردم و کشان کشان بردم در آمبولانس لندن‌کروز گذاشتم. آمدن رو من گفتم تمام چرخ‌های ترکش خورده است. با سختی فراوان او را بیرون کشیدیم و با فریاد زدن در خاکر زها در خواست کمک کردم تا آمبولانس کمکی آمد و او را برد. یاد نادر طالب‌زاده افتادم. با فریاد او از سنگر بیرون آوردم. دیدم عصبانی‌تر من داد زد و گفت اشتباه کردم که از تو خواستم بامن همکاری کنی. کلید ماشین را از من گرفت تا برود که دید ماشین روشن نمی‌شود. تمام کاپوت ماشین ترکش خورده بود. من می‌گفتم چیزی نیست، می‌دهیم تعمیرگاه تعمیر می‌کنند و طالب‌زاده از خونسردی من یاز هم عصبانی شد.

## کدام‌یک از عکس‌هایی که در کربلای ۵ گرفتید از نظر خود شما تأثیر‌گذاری بیشتری دارد؟

در اینجایی که نام دریاچه ماهی در سمت عراق قرار داشت که از کنارش جاده فاطمه زهرا عبور می‌کرد. سانت سانت این جاده با اصابت خمپاره، توپ، تانک و آرپی‌جی شخم زده شده بود. بمب از صدفا خودرو در این جاده مورد اصابت قرار گرفته بود و لاشه آنها در کنار جاده رها شده بود. گروهی به طرف خط مقدم به صف ایستاده بودند و برای تعویض نیرو می‌رفتند. من پشت این‌ها راه افتادم شروع به عکاسی کردم. تا به وسط جاده رسیدیم نصف روزمنده‌های هم‌راه‌مان بر اثر ترکش بمباران سنگین دشمن مجروح شده بودند. آنجا هم چند تا عکس گرفتم که شرایط سخت منطقه و پیشروی بچه‌ها را در جاده فاطمه الزهرا (س) نشان می‌داد. بعدها این عکس‌ها به عنوان بهترین عکس در جنگ شناخته شد. حتی سر از نشریه تایم درآورد که چهار صفحه برای این عکس‌ها مطلب نوشته بود.

## گزارش

چرا «کربلای ۵» سخت‌ترین عملیات جنگ نامیده شد؟

## عبور از موانع غیرممکنی که ممکن شد

### ■ احمدمحمدتبریزی

کربلای ۵ بزرگ‌ترین و سخت‌ترین عملیات نیروهای ایرانی در دفاع مقدس است. این عملیات در ۱۹ دی ۱۳۶۵ آغاز شد و تأثیر زیادی بر روند جنگ در سال‌های بعد گذاشت. روزمنده‌گانی که در این عملیات بزرگ حضور داشتند، با سختی‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو بودند و با تمام وجودشان به جنگ دشمن یعنی مجهر و مسلح رفتند.



زمستان ۱۳۶۵ علاوه بر سوز سرما، ماشین، سختی‌های دیگری هم به همراه آورد. پس از عملیات کربلای ۴، روزمنده‌گان باید برای انجام عملیات بزرگ دیگری در جبهه‌های جنوب آماده می‌شدند. با وجود روحیه نامساعد روزمنده‌گان پس از عملیات کربلای ۴، روزمنده‌گان با امید پیروزی در همان منطقه عملیاتی ماندند و با ایثار و جانشانی مہیای عملیات بزرگ دیگری شدند. فرصت زیادی برای از دست دادن زمان نبود و بار عایت اصل غافلگیری، باید دشمن را سرزدگ می‌کردند.

نیروهای عمل‌کننده در کربلای ۵ نسبت به مصطفی رحیمسی از روزمنده‌گان حاضر در این عملیات که مطالعات ژسادی درباره وضعیت کربلای ۵ داشته نیز بین می‌کند: «این مواع باعث شدند که از سوئی، تعداد شهدای عملیات کربلای ۵ بالا رود و از سوی دیگر هم جلوه‌های رزم روزمنده‌گان، بیشتر بروز کرد و خاطرات را جلاودانه کرد. در بعضی از عملیات‌ها وقتی خط شکسته می‌شد، پس از مقابله با مقاومت عراق، خط‌ها یکی یکی شکسته می‌شدند و سختی آن فقط در یادند بود اما پیشروی در عملیات کربلای ۵ به شدت سخت بود و حتی بعضی می‌گفتند که غیرممکن است»



مهدی اسدی از فرماندهان حاضر در این عملیات، عبور از مواع نونی دشمن را یکی از سخت‌ترین کارهای ممکن می‌داند. مواعی که وسط آن پراز سیم‌خاردر و مین‌بوادگر کسی داخل این مواع می‌شد، مورد هدف قرار می‌گرفت. اگر کسی هم عبور می‌کرد و در اصابت گلوله قرار نمی‌گرفت، باید از خاکر‌زهای دشمن عبور می‌کرد. ناصر دبیبایی اصل یکی دیگر از نیروهای حاضر

در کربلای ۵ بیان می‌کند: «فضای کلی محور دشمن اصلاً شبیه منطقه جنگی نبود، بیشتر شبیه اردوگاه تفریحی بود با سنگرهای مرتب و منظم که امکانات زیادی داخلش قرار داشت. سنگرهای ما امکانات چندانی نداشت. چند گونی پراز شن و ماسه که روی هم چیده بودیم با موکتی که کف آن پهن می‌شد. به چشم خود دیدم که داخل سنگرهای دشمن حتی تلویزیون، یخچال و پنکه هم وجود داشت. با دیدن این صحنه بی‌برنامه خیال نمی‌کردند و رادیوهای ایرانی بتوانند آسیبی به سنگرهایشان وارد کنند. خیلی از موقعیت و قدرت خودشان خاطر جمع بودند.»

روزمنده‌گان با فداکاری و اتساک به اهل بیت تمام سختی‌ها را پشت سر گذاشتند و از مواع عبور کردند. قاسم حسن‌زاده این‌باره می‌گوید: «سختی عملیات جنگی قابل‌توصیف نیست، اما چیزی که به روزمنده‌گان ما روحیه مقاومت داد، ایمان به یاری خدا و متوسل شدن به انمه معصوم بود. ذکر «یا زهرا (س)» سختی هر عملیاتی را شیرین می‌کرد»

گذر از سختی‌های کربلای ۵ سبب شد تا روزمنده‌گان با رسیدن به اهداف عملیات، ضربه به سختی بسر قدرت نظامی دشمن بز نند. ارتش بعث که تا پیش از این بسر نفوذناپذیریش تا کید می‌کرد و جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای در جبهه‌ها به راه انداخته بود، با شکست بزرگی مواجه شد. پیروزی در کربلای ۵ توازن جنگ را به سود ایران تغییر داد و باعث شد کشورهای دیگر به قدرت نظامی و رزمی ایران پی‌برند

## جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که کوچک‌سه در سه فقط یک بار به‌کار روند.

۳		۴		۵				
				۱				
			۳	۵				
		۸		۹		۳		
			۲					
		۲	۱		۷			
				۳				
				۲		۸		
				۲	۶			

## جدول کلمات متقاطع

### ■ پاسخ جدول شماره ۵۲۸۰

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ز	ر	ا	ظ	ا	ن	ا	م	ا	ی	ا	ح	ی	ا	ع
ا	ا	ز	ر	و	ا	ر	ی	ا	ک	ا	ب	ی	ک	ا
ا	ن	ا	ف	س	ا	م	ا	ر	د	ن	ب	ر	د	ن
ا	ن	ا	ا	ا	ل	ا	ب	ا	ل	ا	ل	ا	ل	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا

### طراح‌ع‌لیبر‌ساجادی‌فر ■ شماره ۵۲۸۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا
ا	ب	ب	ا	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا	ب	ب	ا

## از راست به چپ

- ۱- پاره‌خط جهت‌دار- استان شاعران نامی- حرف سوم الفبای یونانی ■ ۲- مادر لر- پوست درخت خرما- شیرینی سوغات تبریز- از رژه می‌بینند ■ ۳- پول کامبوچ- پایتخت چک- ترش و شیرین- نوعی حلوا ■ ۴- راندن چهارپا- دورنگ- دایره‌ای در نیروی انتظامی ■ ۵- نویسنده آلمانی گروه محکومان- تنه‌کاران ■ ۶- چهره- سروسامان- آخرین فرستاده خدا ■ ۷- صابون خیاطی- رود رنگی- کاشف آبله- ستاره ■ ۸- پسر عرب‌زبان- فرشته رومی- از شهرهای شیعه‌نشین سوریه ■ ۹- تبری که با کمان انداخته می‌شود- نشانه قرآنی- سخن منظوم- نور اندک ■ ۱۰- جانشین- از انجیل‌ها- حامله ■ ۱۱- عدا اعشاری- نوعی حیوان نقبزن ■ ۱۲- شاعر از آنان چشم یاری داشته- سفیه- ظرف و شکندده ■ ۱۳- تذکره- جنبین به وسیله آن تغذیه می‌کند- نسبت زن و شوهر- حلق ■ ۱۴- مراسم شادی- مسلک حزبی- کهنه‌پرست- ناشنو ■ ۱۵- اشاره- کف- از فیلم‌های داریوش مهرجویی

## از بالا به پایین

- ۱- اولین غزه پیامبر- شهر و استانی به همین نام- در این مکان ■ ۲- وزیر خارجه اسبق امریکا- راننده هواپیمای عصبانی ■ ۳- تجملی- جمع نادر- رطوبت ■ ۴- سرخ کم‌رنگ- شاه مغولی- آسمان ■ ۵- صدای موتور نامیزان- قاب عینک- رسوا ■ ۶- لباس رسمی- نام مادر حضرت یوسف- از صادرات زیبای کشورمان ■ ۷- ماه پاییزی- علم شیمی قدیمیان- یک و یک ■ ۸- طفلی و پارازیت- زیبایی چهره- ماه وسط زمستان ■ ۹- از لوازم پیشرفت- شاعر شعر پریشان‌زادگاه انیشترین ■ ۱۰- بیماری- محاسن- زیباروی ■ ۱۱- زنگ خطر- آهار- از گله زاید ■ ۱۲- جوانمردی- آدم آهنی- نت میانی ■ ۱۳- برگ برنده- آرزوی بزرگ- عظیم و قوی هیکل ■ ۱۴- صاحب و دارنده- تاکسی در اختیار- دستگاه تولید برق در موتور اتومبیل ■ ۱۵- پیش‌برده- بام همدان- تخیلی نویس فرانسوی صاحب‌انور دنیا در هشتاد روز

## جدول